

بناهای تاریخی افغانستان

مرض نانی شیخ دوری





شرح تصویر روی جلد:
گنبد مقبره گوهر شاد، در هرات

بناهای تاریخی افغانستان



نگارش

میرمن نانی هج دوپری



۱۹۹۸/۱۳۷۷

نام کتاب	:	بناهای تاریخی افغانستان
نگارنده	:	میرمن ناسی هچ دویری
مترجم به دری	:	حامد
کمپوزر	:	امان الله رفیع
ناشر	:	اداره کتابخانه های سیار اریک
سال طبع	:	۱۹۹۸/۱۳۷۷
جای طبع	:	پشاور



اریک از دو سال به این سو پروگرام ارسال کتابخانه های سیار را به ولایات مختلف افغانستان رویدست گرفته است. کتابخانه های سیار به شکل صندوقهای فلزی ساخته شده، در محل خاصی گذاشته میشود، مردم منطقه می آیند، کتابهارا به طور امانت می برند، میخوانند و به مردم گرد و نواح خویش می‌شنوانند، بعد ازان دوباره برمی گردانند و به عوض آن کتابهای دگری را می برند و بدینترتیب تمام کتب کتابخانه در منطقه خوانده می شوند و بعد از آن این کتابخانه سیار به منطقه دگری منتقل می شود.

ما تلاش ورزیده ایم برای این کتابخانه سیار کتابهایی را گرد آوریم که از سویی زبان آن ساده و روان باشد و از جانبی مطالب مورد نیاز مردم را داشته باشند تا آنها را در زنده گی روزمره شان مثل زراعت، مالداري، صنایع دستی، مرغداری و غیره مدد رسانند.

ما در پهلوی کتابخانه های سیار این سروی را نیز انجام می دهیم که مردم به چه نوع آثارو مواد نیاز دارند، و میکوشیم خواسته ها و مواد مورد نیاز آنها را تثبیت و تشخیص نماییم. متأسفانه درینباره کتب مطلوب را بدست آورده نتوانستیم تا در کتبخانه های سیار آنها را به خدمت خواننده گان عزیز پیشکش نماییم.

برای پرکردن این خلا سال پار پیشنهادی به UNOCHA تقدیم شد تا ما را در جهت چاپ و انتشار تعدادی از کتب مورد نیاز و مفید برای خواننده گان ما مساعدت کنند و برای کار سیستماتیک و بهتر يك هیأت مشترك نماینده گان اداره "اریک" و عده یی از محققان و نویسندگان انتخاب گردیدند تا کار را آغاز نمایند و کتابهای مورد نیاز را یا خود و یا هم توسط مولفان و نویسندگان که در موضوع تخصص و مهارت کافی دارند، تهیه کنند و تمام مراحل پلانگذاری، تهیه، چاپ و انتشار آن را مشترکاً به پیش ببرند. این هیأت متشکل است از همکار صمیمی افغانها خانم نانسی هچ دوپری، حبیب الله رفیع، سر محقق زلمی هیواد مل، حسین فخری، محمد فهیم رحیمیار و محمد رفیع.

ما از تمام خواننده گان عزیز خویش در دهات، شهرهای مختلف کشور که از کتابخانه های سیار ما مستفید می گردند متوقعیم که نیازها، خواسته ها و پرسشهای خویش را به ما بفرستند و از تمام نویسندگان و عالمان کشور تقاضا میکنیم که درین راه با ما همگام گردند تا بتوانیم برای مردم خویش کتب بهتر و مفید تری را تقدیم نماییم!

با احترام

"اداره کتابخانه های سیار اریک"

فهرست

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه
۳.....	مینار چکری
۵.....	بامیان
۱۰.....	گلدره (لوگر)
۱۲.....	کتیبهٔ ارزگان
۱۵.....	ورود اسلام
۱۶.....	مسجد نه گنبد
۱۸.....	غزنی
۲۰.....	مینار های غزنی
۲۲.....	قلعهٔ بست
۲۴.....	زیارت بابا حاتم
۲۶.....	مینار جام
۳۰.....	مسجد جامع هرات

۳۲	مجتمع مصلاى هرات
۳۵	گازرگاه هرات
۳۶	آبدات دگر هرات
۳۸	قلعه اختيار الدين
۴۰	روضه شاه ولايت مآب
۴۲	زيارت خواجه ابو نصر پارسا
۴۴	باغ بابر كابل
۴۶	چهل زينه كندهار
۴۸	زيارت احمد شاه بابا
۵۰	زيارت ميرويس
۵۲	مقبره تيمور شاه
۵۴	تخت پل
۵۶	قرن نژدهم (كابل)
۵۸	قرن بيستم (كابل)
۶۰	پغمان



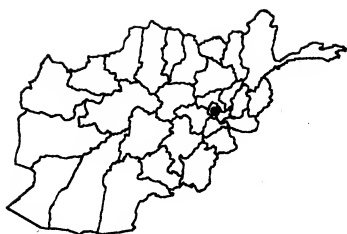
مُقَدِّمَه

افغانستان در مرکز راههای تجارتی باستانی قرار گرفته است. همین شاهراهاها این ساحه را در جنوب با هند؛ در شمال با آسیای مرکزی؛ در غرب با ایران، عراق، شام، مصر و روم و در شرق با چین وصل میکرد.

مردم تمامی این مناطق دور افتاده از افغانستان عبور میکردند. عده زیادی از آنان و مردم بومی افغانستان آبادات خیلی

زیبایی در این کشور اعمار کردند. شماری از این آبادات در هیچ جایی از جهان نظیر ندارند. آثار و بقایای بعضی از شهرهای اولیه باستانی توسط باستانشناسان کشف گردیده اند. این موضوع جداگانه است که بایست مورد بررسی قرار گیرد.

در این کتاب ما صرفاً شماری از بناهای مهمی را که در طی قرون متمادی توسط مردم مختلفی اعمار گردیده، مورد بحث قرار میدهم.



مینار چکری

کابل

حدود دو هزار سال، مینار چکری کاروانهایی را راهنمایی میکرد که شمالاً و جنوباً از وادی کابل عبور میکردند. این مینار در قلّه تخت شاه واقع شده بود.

این مینار در عصر کوشانیان- که آیین بودایی در منطقه ترویج گردید- ساخته شده بود. این مینار استوانه یی که دارای بیست متر ارتفاع بود، توسط سنگهایی بنا یافته که به طرز خیلی ماهرانه یی قطع گردیده و تراشیده شده بود. این صنعت سنگتراشی گلداز نامیده میشد. عصر کوشانیان به خاطر این صنعت، شهرت خاصی دارد.

در جریان جنگهای اخیر، مینار چکری مورد اصابت يك راکت قرار گرفت. در ماه حمل سال ۱۳۷۷ (مارچ ۱۹۹۸) این مینار به علل نامعلومی فرو ریخت. فرو ریزی مینار ضایعه بزرگی برای میراث فرهنگی افغانستان به شمار میرود.

مینار چکری پیش از ماه
حمل ۱۳۷۷ خورشیدی،
مارچ ۱۹۹۸ م.



عکاسی افجا



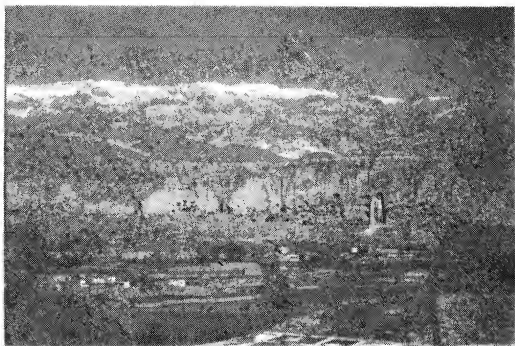
مینار چکری پس از
حمل ۱۳۷۷ خورشیدی،
مارچ ۱۹۹۸ م.

عکاسی عبدالله اسوشیتید پریس



بامیان

حدود هزار و هشت صد تانه صد سال پیش کاروانهای زیادی در طول و عرض افغانستان به مسافرت میپرداختند. معمولاً این کاروانها جواهرات، پوستین و سایر اشیای لکس را حمل میکردند. قیمتی ترین این اشیا ابریشم بود که از چین آورده میشد. به همین دلیل، این مسیر تجاری به نام "جاده ابریشم" مسمی گردید. این جاده در عصر شاهان کوشانی و به ویژه در دوره کنیشکا، رونق زیاد یافت.



نمایی از مجسمه های بودا در بامیان

(عکاسی: سندیگال)

کنیشکا حدود هزار و هشت صد و هفتاد سال قبل سلطنت میکرد.

شمار زیادی از زایرین بودایی چین نیز ازین راه عبور میکردند.

آنان به هند یعنی جایی که بودا بیش از دو هزار سال قبل در آن متولد گردیده بود، سفر میکردند.

زایرین بودایی در ساحة افغانی اول به بلخ میآمدند و در راه سفر از بلخ به هند، آنان باید از سلسله کوههای هندوکش عبور میکردند.

این سفرها طولانی، خیلی خسته کننده و اغلب خطرناک میبود.

در اواسط راه، وادی زیبا و آرامی موقعیت داشت که امروز بامیان نامیده میشود. کاروانهدار این نقطه به منظور استراحت توقف میکردند.

کاروانسراهای این ناحیه خیلی مزدحم و پر سروصدا میبودند. دیری نگذشت که زایرین به این فکر افتادند که دور از هیاهوی کاروانسراها، به اعمار معابد بپردازند.

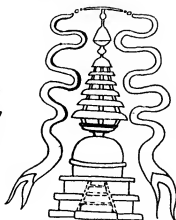
در سمت شمالی درهٔ بامیان، صخرهٔ مرتفعی قرار دارد که از ریگ و سنگ تشکیل گردیده است. در همین نقطه بود که زایرین مغاره هایی جهت اقامت برای خود درست کردند.

نقاشیهای روی دیوار در مغاره های بامیان

(رسمی: پاوند)



d



تصاویر نا حکاکشیای برجسته گل و کاه
(رسمی: پاوند)



شماری از همین مغاره ها به حجره هایی مبدل شدند که راهبان در آن اقامت دائمی گزیدند. در دگر مغاره ها، به انجام مراسم مذهبی خویش میپرداختند. به مرور زمان، بعضی از این محلهای مقدس به تصاویر آراسته شدند.

مرکز تجمع این مجتمعات مذهبی دو مجسمه بودا بود. مجسمه بی واقع در ناحیه شرقی که ۳۸ متر ارتفاع دارد و ارتفاع مجسمه دگری که در سمت غرب واقع شده است، پنجاه و پنج متر است. این دو، بزرگترین مجسمه های بودا در جهان به شمار میروند. مجسمه های بودا در رواقهای محلو از تصاویر دیواری قرار

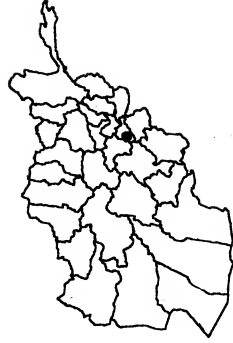
دارند.

تصاویر بالای بودای بزرگ، نمایانگر صحنه هایی از بهشت است.

در بعضی از مغاره ها، تصاویر اغلب آمیخته با حکاکیهای خیلی برجسته است که از گل و کاه تراشیده شده که صرفاً در افغانستان به کار میروند.

مجسمه های بودا در بامیان، یکی از عجایب جهان به شمار

میروند.



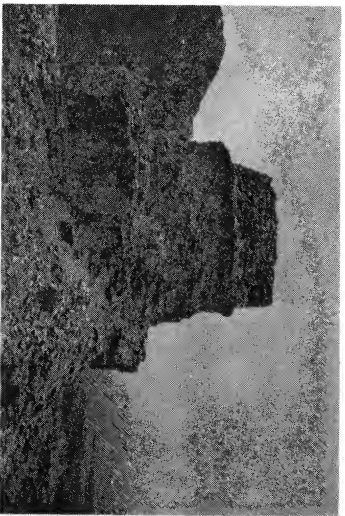
گلدره

لوگر

تمام چشم انداز افغانستان آراسته به آبادات بودایی است. بیشتر آنها صومعه‌هایی بودند که يك جا با استوپه‌ها بناء گردیده بودند. استوپه بنای مرکزی ایست که در اطراف آن مراسم مذهبی به جا آورده میشد. بیشتر آنها ویران شده اند. يك مورد مخصوصاً خوب يك صومعه استوپه در گلدره وادی لوگر واقع در جنوبشرق کابل، موقعیت دارد.

این استوپه بريك مربع صفة شكل واقع گردیده، متشكل از دو دهل استوانه یی است که در بالای آنها گنبدی قرار دارد. ساختمان این استوپه از آثار عالی "سنگتراشی گلدار" به شمار می‌رود.

در سالهای اخیر این استوپه دوباره آسیب دیده است که ضایعه درد آوری برای میراث فرهنگی افغانستان به شمار می‌رود.



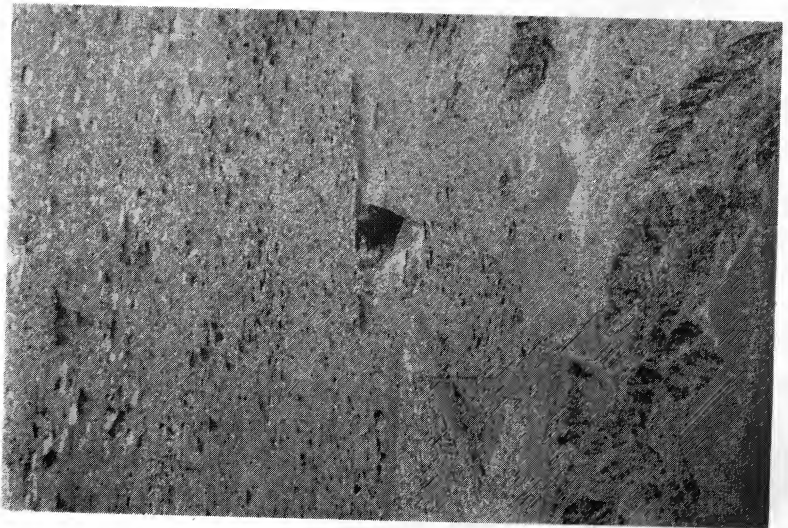
استوپه گلدره لوگر (عکاسی: بریگیتا نوباکر)



کتیبه ارزگان

تعداد زیادی از ابنیه بودایی سالها قبل در اثر بی توجهی و ویرانی نابود شده اند. پس از مرگ کنیشکا، راههای تجاری منقطع گردیده، قبایل بدوی در آسیای مرکزی قدرت را به دست گرفتند.

در این هنگام افغانستان در بین شماری از حکمرانان تقسیم شده بود که بعضی بودایی و شمار دگران هندو بودند. از جمله این حکمرانان، یفتلیان حدود شش صد سال قبل وارد این منطقه گردیده، مدت دو صد سال حکومت کردند. از این دوره طولانی هیچگونه آبدیه یی باقی نمانده است؛ در حالی که سکه های زیادی از آن دوره به جا مانده است.



کینه ارگان

(عکاسی: ارنی ستراند)

شماری از مورخین بین کتیبه یی که در ارزگان به دست آمده است و نوشته های روی سکه های یفتلی، شباهتهایی میبینند. کتیبه ارزگان به سلطان زابل منسوب میگردد که بعد از ظهور اعراب، يك مخالف مهم آنان به شمار میرفت.

از کشف کتیبه ارزگان در سال ۱۹۵۳ م (۱۳۳۲ هـ.ش) خبر داده شد. شاید در مناطقی که گمان نمیرود، شواهد برجسته تاریخی مدفون باشد. هر فرد افغان با یاد داشت آنچه در نزدیکی قریه محل سکونتش وجود دارد، میتواند در افزایش معلومات تاریخی افغانستان مصدر خدمت گردد.

ورود اسلام

تعداد زیادی از ائینه زیبای افغانستان، مربوط به دوره اسلامی است این آبادات نیز نمایانگر مهارتها و سلیقه های تعداد متنوع از مردمان وابسته به نژاد های مختلف است. در نواحی شرقی خلافت عباسی چندین سلسله حکومت کردند که باطاهریان در ۲۰۵/۸۲۱ در خراسان، صفاریان در ۲۵۳/۸۶۷ در نیمروز و سامانیان در ۲۷۹/۸۹۲ در بخارا و بلخ آغاز میگردد.



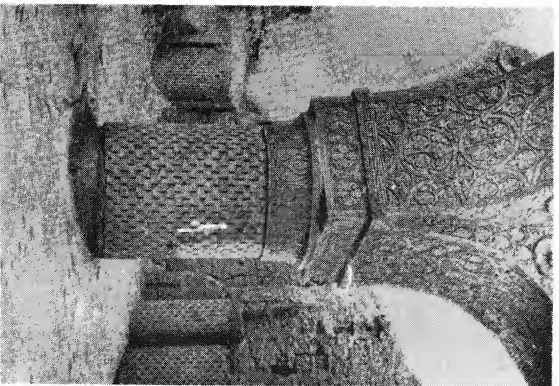
مسجد نه گنبد

بلخ

سامانیان به خاطر ظرافت و آراسته گی شان شهره بودند. مسجد نه گنبد که مسجد حاجی پیاده نیز نامیده میشود، نمونه ایست زیبا و ظریف از آن دوران. این مسجد در سه کیلو متری جنوب شهر بلخ واقع شده است.

این قدیمیترین مسجدی است که تا حال در افغانستان شناخته شده است. تاریخ ساخت آن به نیمه دوم قرن سوم هجری (نهم میلادی) برمیگردد.

این مسجد زیاد بزرگ نبوده، صرفاً ده متر مربع مساحت دارد. آنچه آنرا اعجاب آور میسازد، آرایشهای آن است. ستونها و کمانهایش که زمانی نه گنبد را حمل میکردند، با انواع طرحهای هندسی و گلدار تزئین گردیده، که به صورت مقعر گچبری شده است.



مسجد نه گنبد (بلخ)

(عکاس: نانسی دوری)

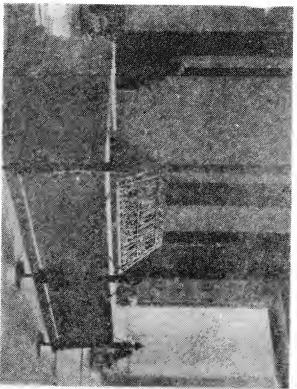
این مسجد شدیداً نیازمند حفاظت متخصصانه است. یکی از کمانها منکسر گردیده، با خطر فرو ریزی روبه رو است. باد و باران د کوراسیون آنرا از بین میبرد. اگر این مسجد فرو ریزد، برای میراث فرهنگی افغانستان يك تراشیدی خواهد بود.



غزنی

غزنویان جانشین سامانیان شدند. این سلسله توسط لشکریان ترك نژاد استقرار یافت که از زمامداران سامانی خود جدا شده ، امپراطوری عظیم غزنه را تهدا بگذاری کردند که يك دوره درخشان تاریخ افغانستان به شمار میرود.

سلطان محمود از نامدارترین زمامداران غزنوی بود. مقبره وی که با سنگ مرمر زیبایی پوشانیده شده در قریه روضه موقعیت دارد. سلطان محمود در سال ۳۸۸هـ (۹۹۸ میلادی) بر تخت جلوس کرده، در سال ۴۲۱هـ (۱۰۳۰م) وفات کرد.



مقبره سلطان محمود غزنوي

(عكاسي: دومينيك داريوا)



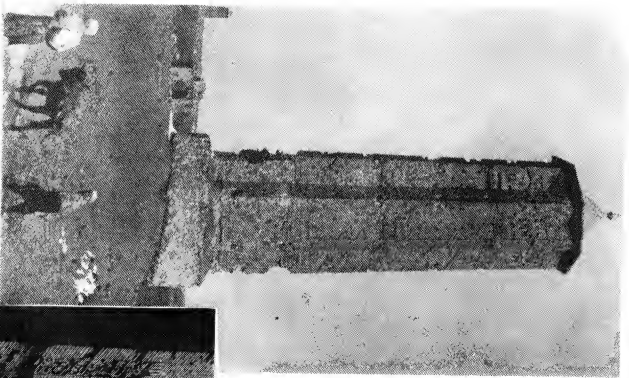
تشرېح سنگ نېشته موقد سلطان

(عكاسي: دومينيك داريوا)

مینار های غزنی

دو آبدۀ با هیبت دورۀ غزنوی مینار هایی هستند که در شرق شهر کنونی غزنی واقع شده اند. عالیتترین آنها میناریست که در دوران مسعود سوم ساخته شده است. مینار دگر در دورۀ سلطان بهرام شاه آخرین پادشاه غزنوی ساخته شده است. این دو پادشاه در نیمۀ اول قرن دوازدهم میلادی زنده گی میکردند.

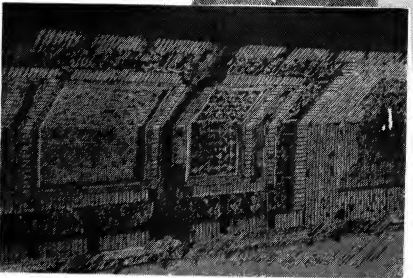
حالت کنونی که این دو مینار در آن قرار دارند، صرفاً بخشی از ارتفاع اصلی آنانست. آرایش برجستۀ پیچ در پیچ روی خشت، شامل کتیبه های خطوط کوفی و نسخ است. بعدها همین سبک تزئین منبع الهام معماری غوریان در جام شد.



مینار پیرام شاد

(عکاسی: لوئیس دوبری)

عکاسی: فرنی فراون فلدر



تشریح مینار سلطان مسعود سوم

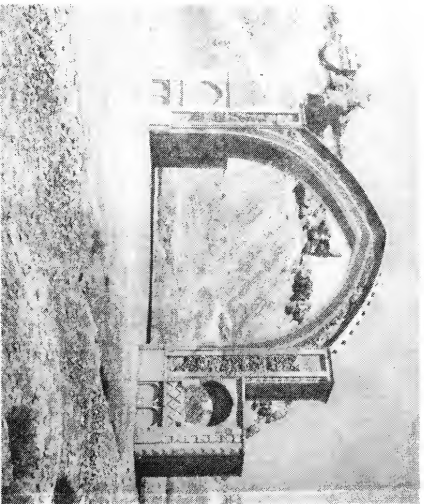


قلعه بست

هلمند

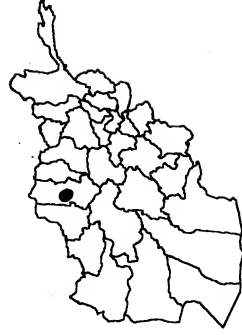
غزنویان در زمستانهای سرد به سمت چپ به بست هلمند میرفتند. تپه عظیمی در این منطقه از محل قلعه یی حکایت میکند که برجهایی در پیرامون آن وجود داشت. در دامنه همین تپه بازارها، کاروانسراها، حمامها و مساجد بزرگ وجود داشته که امروز از آنها ویرانه یی بیش نمانده است. زیرا این شهر باستانی چندین بار توسط فاتحین مشهوری چون چنگیز خان در قرن سیزدهم میلادی و تیمور در قرن چهاردهم غارت و آتش زده شده است.

هنوزم طاقی به پهنای ۲۵ متر در این منطقه وجود دارد که مربوط به قرن یازدهم میلادی بوده، به طرز پر شکوهی آراسته شده است. این طاق توسط متخصصین امور نگهداشت، احیاء تقویت گردیده است ولی نیازمند تدابیر نگهداشت عاجل است.



طاق قلعه بست

(عکاسی: درویشک داریرا)

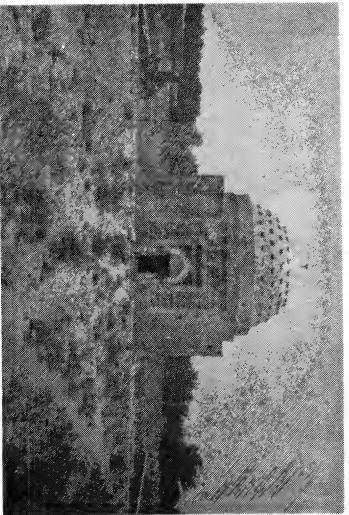


زیارت بابا حاتم

جوزجان

بر زیارت بابا حاتم در ولایت جوزجان واقع در غرب مزار شریف نیز تزیین خشتی به سبک غزنوی، به کار برده شده است. خشتهایی که در دیوارهای این ساختمان گنبد دار مربع شکل به کار برده شده به طرز متحد الشکل قرار داده شده اند و در عین حال یک کتیبه خشتی برجسته که به شیوه ماهرانه تراشیده در گرداگرد مدخل قرار داده شده است.

قسمت داخلی به تزیینات و آرایشهای گچبری شده آراسته شده بیشتر آن شبیه به طرحهای خشتی بیرونی است. این مرقد احتمالاً مربوط به قرن دوازدهم است.



زیارت بابا حاتم

(عکاسی: زیبا میدیه)



"مینار" جام

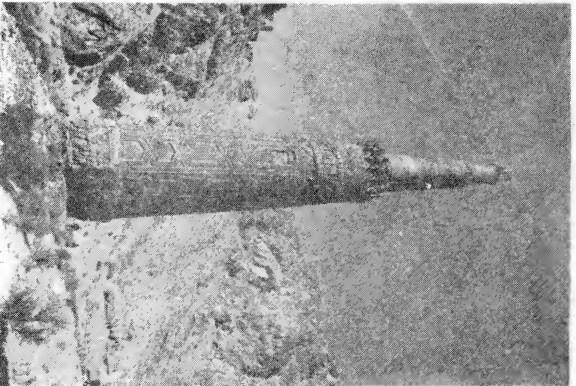
غور

تماشایی ترین آبدۀ دورۀ وسطی اسلامی، برج باریکی است که با ذوق و ظرافت در کنار هریرود در يك درۀ دور افتاده سلسله کوههای مرکزی ولایت غور، اعمار شده است.

این ساختمان عموماً مناره خوانده میشود. اما فضای اطراف آن، آنچنان محدود است که به مشکل بتوان تصور کرد که مسجد بزرگی در کنار این منارۀ اعجاب آور یاد گاری در کجا اعمار شده باشد.

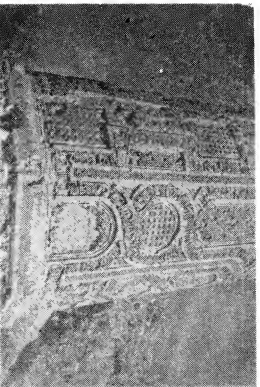
کوههای ناهموار خشک این نقطه را در محاصره گرفته اند. افزون بر آن انتظار میرفت که چنین آبدۀ بزرگ و عظیمی باید در مرکز يك شهر بزرگ قرار میداشت. در دامنه این مناره هیچ

مینار جام



(عکاسی: سندیکا)

تشریح مینار جام



(عکاسی: سندیکا)

زمین خالی یا آثار باستانی وجود ندارد. به همین دلیل، هدف از اعمار آن همچنان يك معما باقی مانده است.

روپوهرفته، زیبایی این ساختمان قابل تحسین بوده، کار هنرمندان ماهرى که این جا کار کرده اند نیز قابل تمجید است. اسم معمار این ساختمان على بوده است که دو جا بر ساختمان مشاهده میشود.

این برج باريك که از پایین به طرف بالا از قطر آن کاسته میشود شصت و شش متر ارتفاع دارد و متشکل از سه طبقه است که هر کدام آن دارای بالکن است. در بالای آن دالانى قرار دارد که دارای شش اطاق است.

تهداب هشت ضلعی آن چهارده متر قطر دارد. هشت تخته طبقه اول متصل تهداب هشت ضلعی با طرحهای هندسی و گلدار برجسته خشتهای ساخته از خاک نرم، آراسته شده است.

دقیقاً در زیر اولین برنده، کتیبه عالی قرار دارد که از خشت لعابدار آبی رنگ تراشیده شده، با زمینه گلابی، جلوه نمایی میکند کتیبه تنها رنگی است که در تمام طرح به کار برده شده است.

این کتیبه درخشان اسم شخصی را آشکار میسازد که مسؤولیت ایجاد این "مناره" را بعهده داشته است:

غیاث الدین محمد سام، سلطان باشکوه، شاه شاهان.

سلطان غياث الدين بزرگترين فرد سلسله غوريان بود که تا
اوایل قرن سیزدهم دوام کرد.
متن کامل سورة نهم قرآن مجید در گرداگرد این مناره،
تراشیده شده است.



مسجد جامع هرات

مسجد جامع هرات به شکل کنونی را سلطان غیاث الدین غوری طرحریزی کرد. جسد وی در زیر گنبد در عقب ایوان شمالی مدفون گردید (۱۲۰۲ م). مقبره وی فاقد تزیینات است.

تنها بخش کوچکی از مسجد عهد غوریان در دروودی جنوبی باقی مانده است. یک کتیبه تابان برجسته آیرنگ بر بالای زمینه گلابیرنگ، تماشایی را به یاد کتیبه جام میاندازد. اسم سلطان در کتیبه هرات نیز مشاهده میشود.

این تزیینات دوره غوری بعدها در زیر کار تزیین دوره تیموریان مخفی ماند. کار شناسان روی کاری را در سال ۱۹۶۴ دور

ساختند. تیموریان تمام مسجد را مطابق ذوق و سلیقه خود ترین کردند. بخش زیادی از کار بر مصرف عصر تیموریان باقی نمانده است. اما، در نو کاریهایی که در سال ۱۹۴۳ م (۱۳۲۲ ش) آغاز گردید، سعی شده است طرحهای اصلی بازسازی شوند.

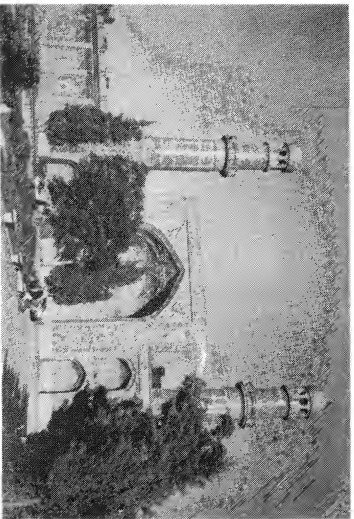
پایتخت در هرات واقع شده بود. در قرن شانزدهم، تیموریان با جلب هنر مندان، معماران، فیلسوفان و شعراء به دربار خود، رهبری نهضت احیای فرهنگی را به دست گرفتند.

شاهرخ و همسرش گوهر شاد از پیشتازان دوره اول به شمار میروند. حکومت سلطان حسین بایقراء (۱۵۰۶-۱۴۶۸ م) دوره طلایی تیموریان بود.

مجتمع مصلای هرات

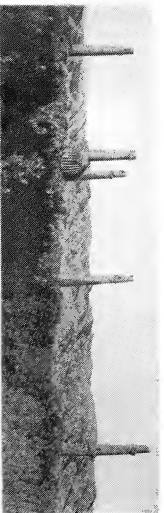
مجتمع مصلی که توسط ملکه گوهرشاد طرحریزی گردید و تحت نظارت وی اعمار شد، زمانی بزرگترین افتخار هرات به شمار میرفت. در مجاورت آن، مدرسه سلطان حسین بایقراء قرار داشت. این مصلی در سال ۱۸۸۵ میلادی عمداً ویران گردید. هدف ازین کار ایجاد فضای لازم برای توپچی مدافعین شهر بود. در جریان جنگهای اخیر دوباره شدیداً آسیب دید. صرفاً پنج مناره آن باقی مانده است. دوتای آن در اثر اصابت راکت صدمه دیده اند. پس از آنکه حفاظ درختها از برابر آن دور شده، باد تزیینات کاشیکاری آنرا از بین میرد.

مقبره گوهرشاد باگنبد کاشیکاری شده آبیرونک دندانه دار آن، شدیداً صدمه دیده است. بخش داخلی تزیین گردیده و رنگمالی شده آن، در حالت بهتری قرار دارد.



مسجد جامع هرات

(عکاسی: محمد رفیع)

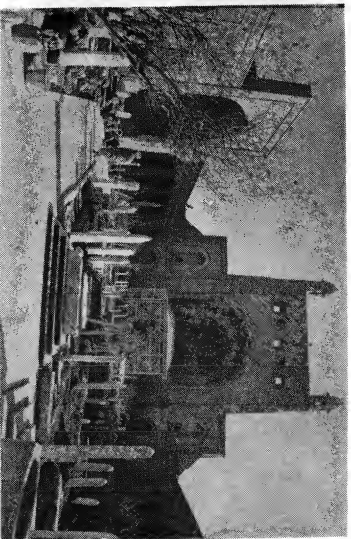


مصلای هرات

گازرگاه هرات

شاهرخ در زیارت خواجه عبدالله انصاری صوفی و شاعر مشهور (متولد ۱۰۰۶ م در هرات) عمارتهای پر مصرفی اعمار کرد. در این جا بخش عظیمی از کاشیکاری اصلی عصر تیموریان باقی مانده است.

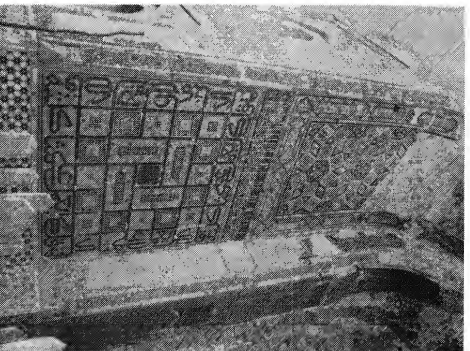
علاوه بر آن در محوطه این جا لوح مزار های خیلی زیبایی از دوره های مختلف وجود دارد.



زیارت خواجه عبدالله انصاری در هرات

(عکاسی: برده‌نشین)

کاشیکاریهای کهن رواق
گازرگاه شریف (هرات)



(عکاسی: برده‌نشین)

آبدات دگر هرات

ذوق و سلیقه عالی تیموریان به مساجد، مدارس و زیارتها محدود نماند. هرچه آنان اعمار کرده اند، دارای شکوه هنری خوش آیند بود.

پل زیبای کمانی که به نام پل ملان یاد میشود توجه امپراطور بابر را به هنگام دیدار از هرات در سال ۱۵۰۶ م جلب کرد. وی زیبایی دلفریب آنرا ستایش کرد.

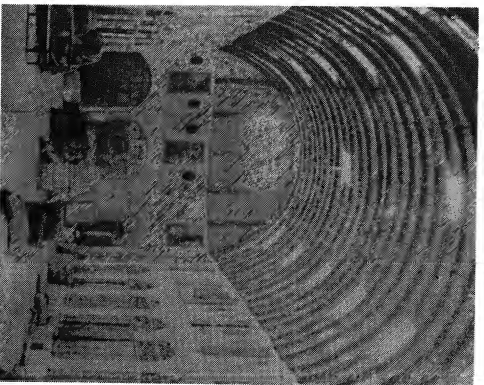
در چهار سوق، چندین بازار سرپوشیده دارای ابعاد خیلی پر شکوه وجود داشت. حوض چهار سوق از لحاظ فن تعمیر دارای اهمیت خاصی است.



(عکاسی: برنت کلاتور)

پل مالان

کاروان سرای
(هرات)



(عکاسی: انگره سنن)

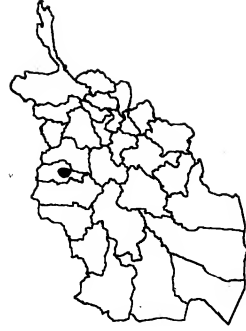
قلعه اختیار الدین هرات

این قلعه که به شکل کنونی اش در سال ۱۳۰۵ م ساخته شده است، دارای تاریخچه طولانی و پر از فراز و نشیب است. چنگیز خان و تیمور لنگ در پای این قلعه جنگیدند. شاهرخ آنرا باز سازی کرده به مدت یک صد سال قلب امپراطوری تیموری ساخت. در قرن بیستم، این قلعه رو به ویرانی گذاشت. به دلیل اهمیت خاصش، یونسکو در دهه هفتاد، در نوسازی آن سهم گردید.



قلعه اختر الدين (هرات)

(عکاسی: محمد رفیع)



روضه شاه ولایت ماز

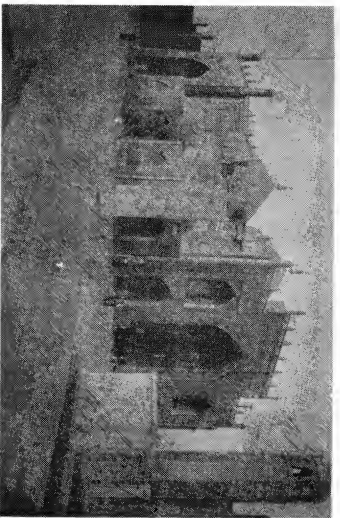
مزار شریف

این مقبره پر شکوه در مزار شریف، مدفن حضرت علی (رض) پنداشته میشود. این محل، دارای يك تاريخچه طولانی است.

اولین ساختمان آن که توسط پادشاه بزرگ سلجوق سلطان سنجر در سال ۱۱۳۶ م ساخته شده بود، توسط چنگیز خان تخریب شد.

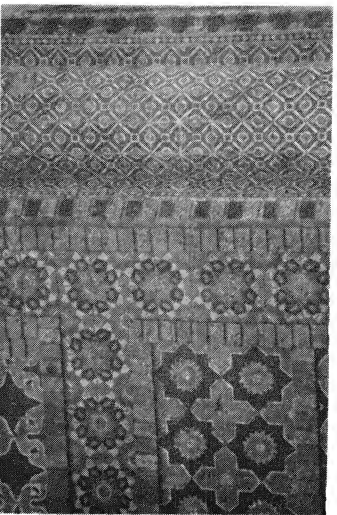
بار دگر، این قلعه توسط سلطان حسین بایقراء پادشاه تیموری اعمار گردید. تزیینات پر مصرف در کاربرد آرایش کاشیکاری موزاییک در آن، به پیروی از سبك هرات صورت گرفته است.

هیچ يك از کاشیکاریهای قرن پانزدهم باقی نمانده است؛ اما بازسازیهای اخیر بر اساس نمونه های قبلی صورت گرفته است.



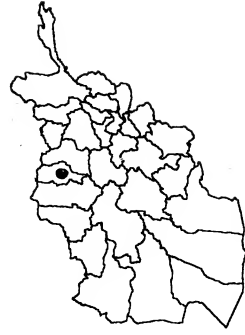
روضه شاه ولایت مآب در مزار شریف

(عکاسی: نانسی دوبری)



کاشیکارنمای جدید روضه شاه ولایت مآب

(عکاسی: نانسی دوبری)



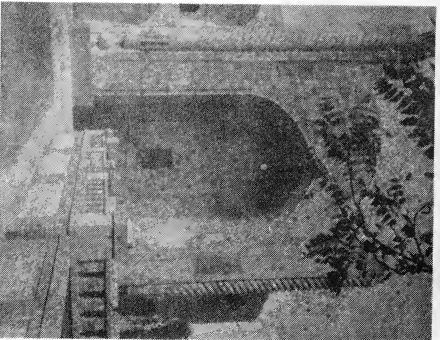
زیارت خواجه ابو نصر پارسا

در بلخ

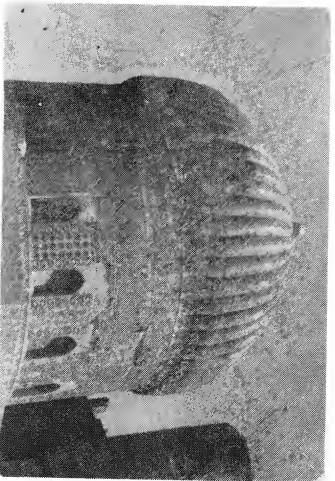
نفوذ سبك معماری تیموریان در مزار خواجه ابونصر پارسا در بلخ نیز دیده میشود. جالبترین بخش آن، گنبد دندانه دار تابنده ایست و به گنبدی شباهت دارد که مزار گوهر شاد در مصلای هرات را میپوشاند.

یکی از مختصات بیمانند این جا، استفاده از ستونهای پیچا پیچی است که در اطراف مدخل قرار دارد.

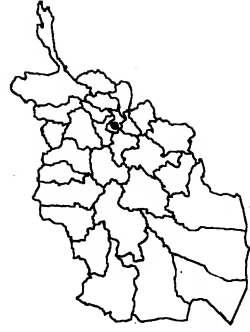
خواجه ابونصر پارسا يك دانشمند برجسته الهیات بود. مدرسه یی که وی در آن تدریس میکرد توسط فیروزه بیگم مادر سلطان حسین بایقرا تأسیس گردیده بود. خواجه پارسا بعد ها در بلخ متوطن گردید و در سال ۱۴۶۰ م در آن جا وفات کرد.



زیارت خواجه ابو نصر پارسا در بلخ عکاسی ناسی دوبری



گنبد زیارت خواجه ابو نصر پارسا عکاسی ناسی دوبری



باغ بابر کابل

ظهيرالدین محمد که در تاریخ به امپراطور بابر شهرت دارد و مؤسس امپراطوری عظیم مغل بود، در سال ۱۵۳۰م در آگره هندوستان در گذشت. آخرین آرزوی وی این بود که در باغ دلکشی در کابل مدفون گردد.

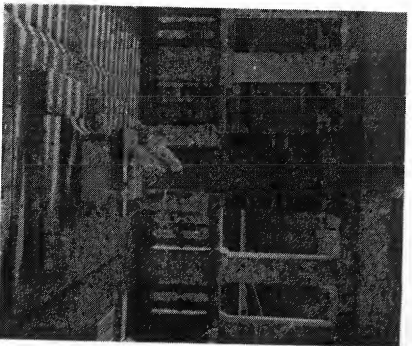
لوح مزار وی متعلق عصر امپراطور جهانگیر در قرن هفدهم است.

سنگ مرمر روی مرقد وی توسط نادر خان (۱۹۲۹-۳۳م) گذاشته شد.

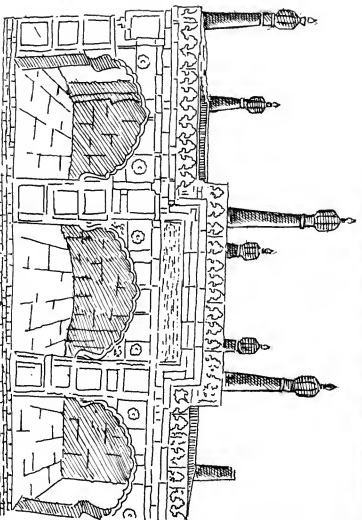
این باغ که توسط امپراطور بابر طرحریزی شده بود، در اصل دارای هشت تراس بود و مزین به جویبارها، حوضها و آبشارهای جاری.

امپراطور شاه جهان در تجلیل فتح بلخ و بدخشان توسط نیروهایش يك مسجد پر شکوه مرمرین در پایین مرقد اعمار کرد. کتیبه موجود، حاوی این حوادث است.

مقبره امیر اسطور بابر
در کابل



(عکاسی: رابرت میکرو)



مسجد شاه جهان در باغ بابر

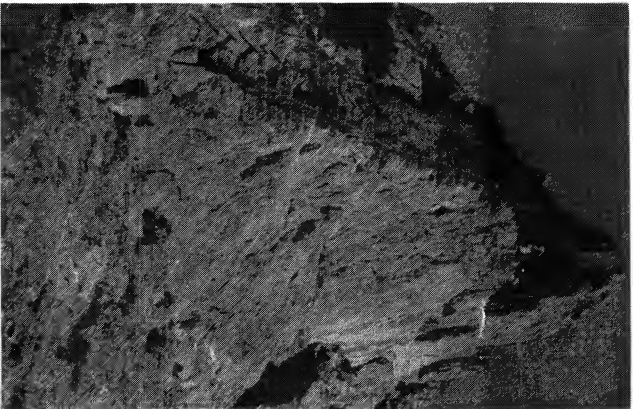
(عکاسی: رابرت میکرو)



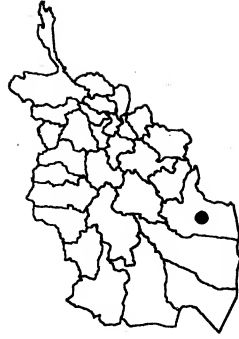
چهل زینه كندهار

بر فراز ویرانه های شهر قدیمی كندهار سلسله كوههای ناهمواری قرار دارد. در انتهای یکی از آنها، در بین سنگ اطاقکی به فرمان امپراطور بابر تراشیده شد. کار اعمار این اطاقك در سال ۹۲۸هـ ق زیر نظر شهزاده فیروز بخت آغاز گردید و در سال ۹۳۷هـ ق به پایه اكمال رسید. کتیبه حاوی شرح حال فتوحات امپراطور و تصرف دهلی توسط وی، و نیز اعمار این اطاقك سنگی- موجود است.

يك رشته تند چهل پته یی انسان را به اطاقکی راهنمایی میکند که توسط دو شیر سنگی محافظت میگردد.



چهل زینه کندهار



زیارت احمد شاه بابا

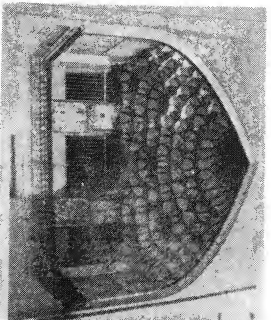
کندهار

تاریخچه‌ترین آبدۀ موجود در کندهار مزار احمد شاه درانی است که از روی محبت احمد شاه بابا خوانده میشود. وی بر امپراطوری حکمروایی داشت که قلمروش تا کشمیر امتداد مییافت. پایتخت این امپراطوری شهر کندهار بود.

این عمارت پرشکوه هشت ضلعی با رواقهای متعدد دارای برجسته‌گی و فرورفته‌گی متباین، تزئین گردیده است. داخل کمانها و طاقهای اصلی به طرز ماهرانه‌یی به شکل شبکه آراسته شده اند. در مقایسه با داخل ساختمان که به طرز عالی رنگ آمیزی گردیده با گلهای طلا کاری شده آراسته شده، نمای بیرونی خیلی ساده است.



زیارت احمد شاه بابای درانی
(عکاسی: حفیظ آئینا)



تزیینات داخلی رواق زیارت احمد شاه بابا
(عکاسی: ولیمیم بزرگوینست)



زیارت میرویس

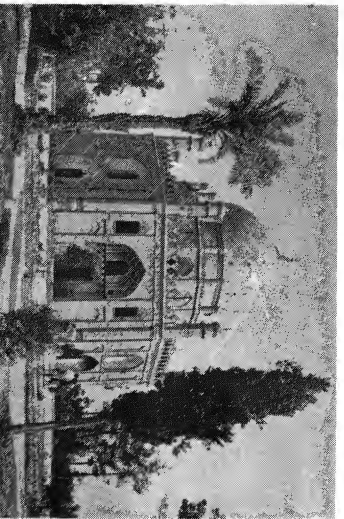
کندهار

با غیچه ها و باغهای کوکران در حدود هشت کیلومتری غرب کندهار در کنار جاده منتهی به هرات و در نزدیکی دریای ارغنداب واقع شده است. در همین جا بود که میرویس هوتک در سال ۱۷۰۹م استقلال از حاکمیت فارس را اعلام کرد.

آبدۀ کنونی بر فراز مقبرۀ میرویس در عصر نادر خان (۳۳

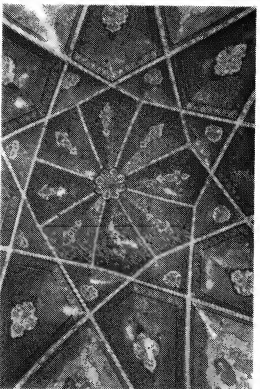
۱۹۲۹م) اعمار گردیده است. این ساختمان به گونه زیارت احمد شاه

بابا تعمیر شده است.



زیارت میرویس هوتک

(عکاسی: پردنسن)



نقش‌های داخل گنبد

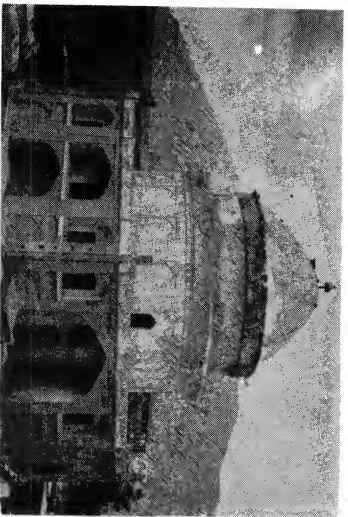
(عکاسی: پردنسن)



مقبرهٔ تیمورشاه

کابل

تیمورشاه پسر احمدشاه درانی در سال ۱۷۷۶م پایتخت را از کندهار به کابل منتقل ساخت.
مقبرهٔ وی در کابل، از لحاظ ساختمان شبیه مقبرهٔ پدرش در کندهار، است. این مقبره در سال ۱۸۱۶م اعمار گردیده، ولی کار آن هرگز به پایان نرسید.



آرامگاه تیمور شاه در کابل
(عکاسی: افجا)



تخت پل

اغلب يك نماي بيروني ساده نمیتواند نمایانگر عظمت و شکوه درونی باشد.

این مسجد ساده گلین دارای تزیینات عالی داخلی است. رنگ آمیزیها از نوع کارهای هنری ایست که در اواخر قرن نهم محبوبیت و مقبولیت یافته بود.

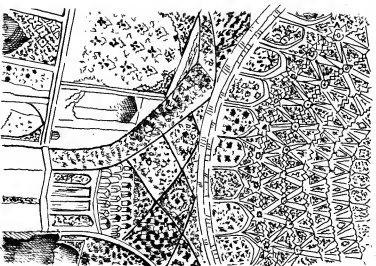
این مسجد امروز به صورت متروک در زمین هموار قرار دارد.

زمانی بزرگترین مسجد جامع شهر تخت پل به شمار میرفت. این شهر در سال ۱۸۵۵ زمانی که افضل خان نایب الحکومه پدرش امیر دوست محمد خان در ترکستان افغانی بود، توسط وی تهدابگذاری شد. جای تأسف است که دیده میشود چنین اثر هنری مورد بی توجهی قرار گرفته و رو به نیابودی گذارده است.



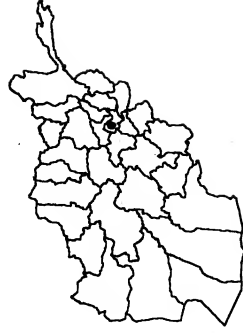
مسجد تخت پل

عکاس: نانسی دوبری؛ رسامی دوباره از: پاورند



نقاشیهای داخل مسجد تخت پل

(عکاسی: نانسی دوبری؛ رسامی دوباره از: پاورند)



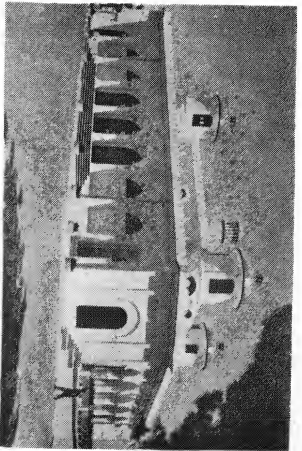
قرن نهم

کابل

در اواخر قرن نهم، اعمار ساختمانهای هیبتناک و سنگین از مد افتاده بود.

البته، امیر عبدالرحمن در اعمار قصرها حریص بود. وی کثرت ستونها و طاقهای پرشکوه را در ساختمانهایی که خود طرحریزی میکرد، میپسندید.

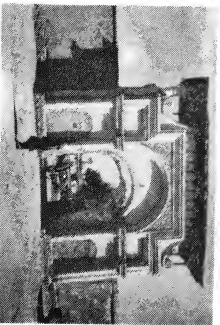
همچنان وی علاقه شدیدی به گچبری کنده کاری شده و سقفهای منقش داشت که با آن بخش درونی و بیرون های فرعی را می آراست. سقفهای منقش و گچبری همانند رنگ آمیزی تخت پل، امروز يك صنعت بیهوده به شمار میرود.



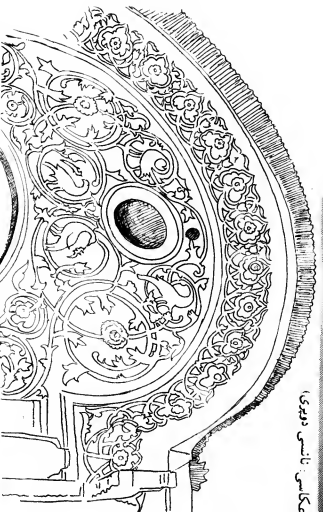
قصر باخ بالا

(عکاس: نویس دوبری)

دروازه شهر آرا



(عکاس: نانسی دوبری)



تزیینات گچ کاری شده گلستان سراي (کابل)، عکاس: نانسی دوبری رسام: دوباره از: پاوند

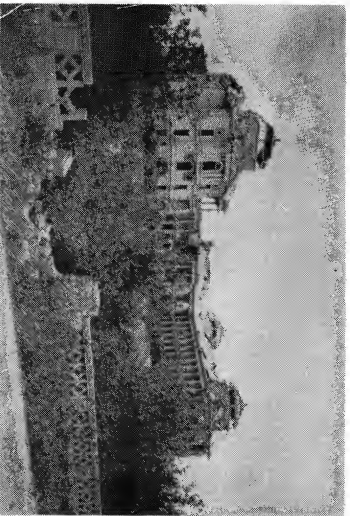
قرن بیستم

کابل

در قرن بیستم سبک معماری غربی متداول شد. امان الله خان شیفته اعمار قصر بود و از دگران میخواست که از سبک وی پیروی کنند. درین زمان معماران فرانسوی، آلمانی، اطریشی، ایتالیوی و پولندی جهت کار، به کابل آمدند.

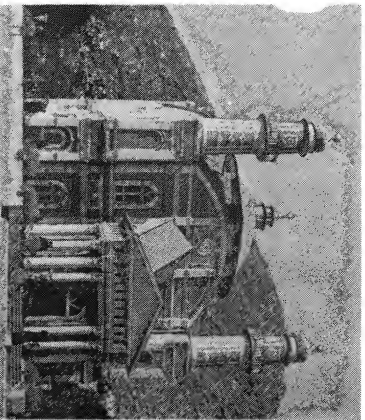
جذابترین ساختمان این دوره قصر دارالامان است که به سبک معماری قرن هژدهم فرانسه اعمار گردیده بود، این قصر محور پایتخت جدیدی در دارالامان میباشد. سنگ تهداب این قصر در سال ۱۹۲۳ م گذاشته شده، ولی قبل از این که کار اعمارش به پایان برسد، پادشاه در سال ۱۹۲۹ م تبعید گردید.

علیا حضرت مادر امان الله، مسجد شاه دو شمشیره را به سبک ترکی اعمار کرد.



(عکاسی: ثانی دوبری)

قصر دارالامان در کابل



مسجد شاه دوستمیشیره در کابل

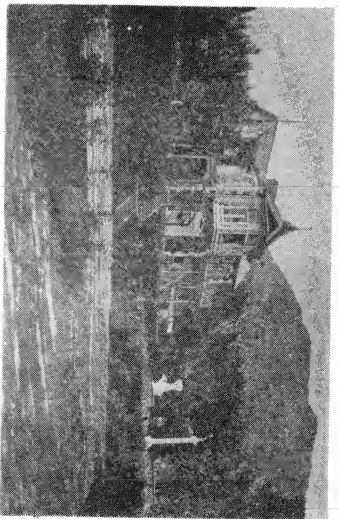
(عکاسی: ثانی دوبری)



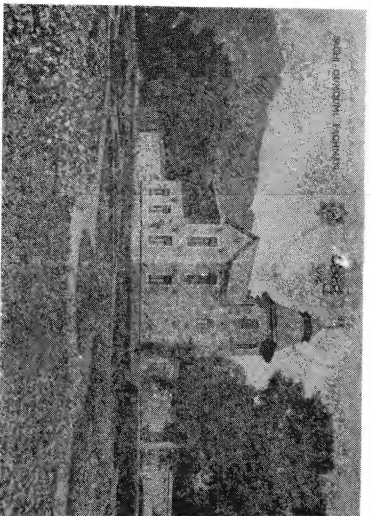
پيغمان

انواع مختلف معماري غربي در پيغمان به مشاهده ميرسد. در اين جا افزون بر منازل شخصي بومي، يك قهوه خانه، يك تياتر، يك هوتل، يك شفاخانه و دگر ابنيه عمومي ساخته شد. اين ساختمانها توسط معماران كشورهاي مختلف، و نيز خود افغانان طر حريزي شده بودند.

همه اين ساختمانهاي شخصي و عامه بايستي مطابق به مقررات نظامنامه هاي چهار گانه تعميرات افغانستان، كه در سالهاي ۱۹۲۲ و ۱۹۲۳ نافذ گرديده بودند اعمار ميشدند. طي چند سال اخير، همه اين ساختمانها به كلي و يا قسماً ويران گرديده اند.



کوفی سرخ بالا باغ پغمان



باغ عمومی پغمان

در باره نویسنده

میرمن ناشی هج دوپری همسر لويس دوپری فقید است. دوپری فقید باستانشناسی بود که در ساحه های ما قبل التاریخ حفریات و کاوشهای انجام داد. میرمن ناشی دوپری در ریاست گرځندوی افغانستان ایفای وظیفه میکرد. کتابهای راهنمایی که وی به لسان انگلیسی نوشته است تاریخ و مردم افغانستان را - به جهانگردانی که از سراسر جهان به این کشور میآمدند- معرفی میکرد.

نویسنده از تمام عکاسانی که نتایج کارشان در این رساله بازتاب یافته است صمیمانه سپاسگزاری میکند. پشتیبانی و توجه آنان به ثبت حالت کنونی آبادات تاریخی افغانستان سهم مهمی در معرفی و نگهداشت میراثهای فرهنگی افغانستان دارد.

ARIC

B

1.54

DUP

7775

4.2

کتابخانه سیار اریک

توانا

مرکز منابع نشراتی و اطلاعاتی آکبر

از سلسله نشریات کتابخانه سیار اریک

نمبر مسلسل ۴